

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی

۲۵ مارچ ۲۰۲۲

هفتاد و ششمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهکلم!

هفتاد و ششمین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، روز چهارشنبه سوم فروردین ۱۴۰۱ - بیست و سوم مارس ۲۰۲۲، همزمان با شهادت توروین لیندهلم، در دادگاه جرایم جنگی ستهکلم - سویدن برگزار شد.

در حالی که اولین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری در سال جدید خورشیدی آغاز می‌شد، خبر درگذشت محمد محمدی ری‌شهری اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی انتشار یافت.

در این جلسه از دادگاه، توروین لیندهلم، استان روان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان کارشناس اول این دادگاه، به‌گوشه‌ای از تحقیقات چندساله خود مبنی بر چگونگی ارزیابی شهادت یک شاهد در دادگاه پرداخت و در این زمینه به سوال دادستان و وکیل مدافع حمید نوری پاسخ داد.

او در اظهارات خود به شرایط استرس‌زایی اشاره کرد که در آن قربانی، چهره فرد ضارب، شکنجه‌گر و یا بازجو را به‌خطر نمی‌آورد. به‌گفته لیندهلم، قربانیان حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد جزئیات آنچه در ابتدا برایشان اتفاق افتاده را به‌یاد می‌آورند. وی در این زمینه به اظهارات شاهدان پرونده‌هایی مانند هلوکاست و یا واقعی مربوط به جنگ جهانی دوم نیز استناد کرد.

دومین شاهد این جلسه از دادگاه شادی صدر، وکیل و مدیر سازمان عدالت برای ایران بود. صدر پیش‌تر با ده‌ها زندانی سیاسی سابق که برخی از آنان، از جمله شاهدان اعدام‌های سال ۶۷ هستند، مصاحبه کرده و تحقیقاتی را انجام داده است. به‌گفته صدر، حکومت اسلامی حق خانواده‌های قربانیان اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۱۳۶۷ را نقض کرده و مانع دستیابی آن‌ها به عدالت و دانستن حقیقت شده است.

توروین لیندهلم توضیح داد که از سال ۱۹۹۳ بر روی روان‌شناسی شهود، حافظه زندانیان خوشنیت‌دیده، میزان سندیت و همخوانی شهادت افراد و عوامل و فاکتورهای تاثیرگذار بر شهادت‌ها و خصوصیات شکنجه‌گر و ضارب تحقیق کرده است. وی چندین بار در جریان شهادتش تاکید کرد که یکی از مهمترین منابع و بسترهای تحقیقاتی او و همکارانش، جنگ جهانی دوم و جنایت نازی‌ها در حق یهودیان و اردوگاه‌های اسرا بوده است.

وی در سخنانش به این موارد مهم اشاره کرد:

انسان در به‌خاطر آوردن وقایع بسیار توانا و باهوش است و مهم‌ترین عامل در پروسه به‌یادآوری، مشاهده و اصولاً «صورت» است.

تمرکز انسان در دیدارها و رودررویی با دیگران بیشتر روی فرد است تا اطراف.

ذهن و چهره‌شناسی زنان در مقایسه با مردان بهتر است.

توانایی افراد در به‌یادآوری با هم تفاوت دارد، اما در مجموع فرد در شناسایی افراد هم‌نژاد و هم‌قوم خود، توانایی بهتر و بیش‌تری دارد.

تورون لیندهلم در مورد کنگذاری ذهن انسان و تاثیر تروما یا بحران بر روی آن توضیح داد:

تمرکز فرد (زندانی) در شرایط تروما بر روی کانون آن تروما قرار دارد.

فرد می‌تواند اتفاقات و محیط بیرونی و تاثیرات احساسی خود را در ارتباط با آن تروما به خاطر بیاورد.

تورون لیندهلم در مورد استرس پس از تروما گفت:

خاطره یک تروما به صورت غیرارادی در حافظه فرد ذخیره می‌شود و شخص ناخواسته آن را به‌یاد می‌آورد.

وقوع اتفاقات به‌صورت مکرر و سریالی موجب یادآوری و تکرار آن‌ها و در مواردی ترکیب و ادغام وقایع در ذهن فرد می‌شود.

تورون لیندهلم گفت که در صورت فقدان قوه بینایی یا داشتن چشم‌بند:

برداشت و ثبت محیط توسط فرد بهتر و دقیق‌تر می‌شود.

میزان و سندیت روایت‌ها با چشم‌بند به میزان دید احتمالی طرف از درون چشم‌بند بستگی دارد.

تورون لیندهلم تاکید کرد که روایت کردن خاطره و تروما برای دیگران به پروسه به خاطر سپردن بهتر آن توسط شاهد کمک می‌کند.

وی ادامه داد: نحوه بازجویی از شخص در مکانیزم به‌یادآوری اتفاقات تاثیر مستقیم می‌گذارد.

تورون لیندهلم توضیح داد که با تحقیق روی اردوگاه‌های اسرا در جنگ جهانی دوم متوجه شد که افراد اکثراً تاریخ انتقال و ورودشان به اردوگاه‌ها را به‌خوبی به یاد می‌آورند، اما شاید در مورد زمان کشته‌شدن یا مرگ دوست یا هم‌بندی خود اشتباه کنند.

تورون لیندهلم در پاسخ به وکلای مدافع متهم گفت زمان در روایت‌ها مهم است و می‌تواند در روایت‌های شاهد از یک حادثه مشخص - درست پس از وقوع آن و دو هفته بعد از آن - تفاوت‌هایی ایجاد کند.

وکیل مدافع متهم از شاهد پرسید که اطلاعات قبلی شاهدان تا چه حد روی حرف‌ها و شهادت آن‌ها تاثیرگذار است. شاهد در پاسخ گفت در پژوهشی که چهل سال پس از ماجرای دادگاه نورنبرگ انجام گرفت مشخص شد که پخش شهادت یک شخص در دادگاه و نشان دادن تصویر او (یا متهم)، بر روی شهادت افراد بعدی تاثیر گذاشته بود. از سوی دیگر در همان تحقیق مشخص شد که ۶۰ درصد از کسانی که پخش جلسه را ندیده بودند نیز فرد را به یاد آوردند و هویت او را شناسایی کردند.

تورون لیندهلم به این سؤال که آیا نشان دادن تصویری به شاهد و درخواست از او برای شهادت علیه فرد مذکور می‌تواند روی شهادت شاهد تاثیر بگذارد یا خیر، پاسخ مثبت داد.

بر اساس تحقیقاتی که شادی صدر انجام داده است، حتی پیکر اکثر اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۷ به‌خانواده‌هایشان تحویل داده نشده است.

شادی صدر، گفت از سال ۱۹۹۹ به بعد وکالت پرونده های مختلف حقوق بشری، مخصوصا پرونده زندانیان زن محکوم به سنگسار را بر عهده داشت و اطلاعات دقیقی نسبت به اعدام های تابستان ۱۳۶۷ نداشت. وی گفت در سال ۲۰۱۰، پس از شروع به کار سازمان عدالت برای ایران، تحقیق درباره شکنجه جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زندانیان سیاسی زن در دهه ۶۰ را آغاز کرد.

شادی صدر صحت فتوای آیت الله خمینی را بر اساس مدارک موجود، به ویژه توضیحات به زعم وی «مبسوط» آیت الله منتظری در کتابش، تایید کرد.

شادی صدر از «بقایای اعدام شدگان در گورهای جمعی» به عنوان مهم ترین سند وقوع جنایت سال ۱۳۶۷ به دست جمهوری اسلامی نام برد. وی از شاهدان عینی صحبت کرد که با چشم خود پیکر دفن شدگان را دیده اند. او گفت: «متأسفانه جمهوری اسلامی به هیچ گروه مستقل حقوق بشری حتی اجازه نداده است که به مکان های گورهای جمعی نزدیک بشوند. چه برسد به این که اجازه حفر آنها و شناسایی هویت دفن شدگان داده بشود.»

شادی صدر در شهادت خود از چندین گزارش مشترک سازمان عدالت برای ایران و سازمان عفو بین الملل از جمله «اسرار به خون آغشته» و «اختفای جنایت» درباره کشتارها و شناسایی و اطلاع رسانی پیرامون تخریب گورهای دسته جمعی سخن گفت.

وی تاکید کرد که پیش و پس از گزارش های یاد شده، گزارش های دیگری هم توسط سازمان های متعدد حقوق بشر تهیه شده است.

شادی صدر گفت تحقیق مشترک سازمان عدالت برای ایران و سازمان عفو بین الملل روی بیست و سه زندان و حدود شصت گور دسته جمعی اعدام شدگان در سراسر ایران، با قاطعیت نشان می دهد که زندانیانی به طور مخفیانه و جمعی در تمامی این زندان ها در مقطع زمانی تابستان ۱۳۶۷ اعدام شده اند.

شادی صدر گفت این اعدام ها از قبل برنامه ریزی شده و گسترده بود و اکثر زندانیان اعدام شده در اوایل دهه ۱۳۶۰ بازداشت و در دادگاه های انقلاب محکوم شده بودند. برخی از آنها در حال گذراندن دوران حبس خود بودند و برخی حتی دوران محکومیت شان تمام شده بود.

شادی صدر گفت که به باور او یکی از ویژگی های گزارش «اسرار به خون آغشته» نسبت به سایر گزارش ها در این زمینه «جامع بودن آن» است...

شادی گفت با توجه به اعتبار ویژه سازمان عفو بین الملل در سطح بین المللی، این گزارش برای هر اقدامی - حقوقی و شبه حقوقی - در حوزه این جنایت بسیار اهمیت داشت. او از «تحلیل حقوقی» گنجانده شده در انتهای این گزارش به عنوان یکی دیگر از ویژگی های آن نام برد.

شادی صدر درباره تصمیم گیری قانونی و بر اساس فتوای آیت الله خمینی درباره اعدام ها در تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت اعلام کرد: «این ادعا که احکام اعدام زندانیان سیاسی در کشتار ۶۷ طی یک پروسه قضایی به دیوان عالی کشور رفته و بعد از تایید، اجرا شده، یک دروغ محض است.» وی گفت اعدام ها کاملاً خارج از چارچوب حتی ساختار موجود دادگاه ها و دادرسی های انقلاب بوده است.

شادی صدر شهادت داد که حسن گلزاری و مجید صاحب جمع دو زندانی سیاسی بودند که در مصاحبه هایشان در سال ۲۰۱۷ به طور مستقیم و مشخص از «حمید عباسی» به عنوان فردی نام برده اند که در زندان «گوهردشت» با او مواجه شدند.

حسن گلزاری در مصاحبه‌اش گفته بود که «حمید عباسی» او را مورد سوال قرار داد و دستور نوشتن انزجارنامه و شلاق خوردن او توسط پاسداران را صادر کرد. او شهادت داد به‌غیر از این دو نفر هیچ زندانی دیگری از «حمید عباسی» در هیچ زندان دیگری نام نبرده است.

شادی صدر اما در جایی دیگر در توضیح اشاره برخی از مصاحبه‌شوندگان به برخورد با عباسی در زندان‌هایی به‌جز زندان گوهردشت توضیحاتی داد. وی گفت آن‌ها نمودار و جدول زمانی زندگی حرفه‌ای حمید عباسی را تهیه کرده‌اند و این جدول با نمودار زمانی زندگی حرفه‌ای لشکری و ناصریان همخوانی دارد.

شادی صدر گفت که برای این اساس «ما می‌دانیم که حمید عباسی تا سال ۶۴ به‌عنوان دستیار ناصریان، دادیار زندان در زندان اوین کار کرده است. بین سال‌های ۶۴ تا ۶۶ - در دوره‌ای - در زندان قزل‌حصار کار کرده و بعد به زندان گوهردشت منتقل شده است. بنابراین زندانیانی هستند که ممکن است حمید عباسی را در زندان‌های قزل‌حصار، اوین، یا گوهردشت دیده باشند. ممکن است برخی اشاره کرده باشند که حمید عباسی به‌همراه ناصریان از زندان قزل‌حصار به گوهردشت منتقل شده است.»

یکی از بخش‌های مهم شهادت امروز شادی صدر درباره نحوه و دلایل اهمیت انجام بیش از پنجاه مصاحبه با برخی از خانواده‌ها و زندانیان عضو سازمان مجاهدین خلق جان به‌دربرده از اعدام‌ها در زندان‌های شهرستان‌ها بود که هم اینک در آلبانی، مقر سازمان مجاهدین خلق، زندگی می‌کنند. این مصاحبه‌ها در تیرانای آلبانی، محل اقامت این افراد در سال ۲۰۱۷ گرفته شد.

شادی صدر گفت که سازمان عدالت برای ایران پیش از آغاز تحقیق مشترک با سازمان عفو بین‌الملل با بیش از پنجاه زندانی سیاسی در آلبانی مصاحبه کرد. وی درباره علت این مصاحبه‌ها گفت: «در مورد اعدام در شهرستان‌ها اطلاعات کمی وجود داشت که ما سعی کردیم با تحقیق‌مان این خلأ را پر کنیم.»

شادی صدر توضیح داد که در سال ۶۷ در بسیاری از شهرستان‌های کوچک بیش‌تر زندانیان سیاسی آزاد شده بودند و تعداد کمی در زندان‌ها باقی مانده بودند که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند و اعدام شدند. از بازماندگان، افرادی در شهرهای کوچک ایران اقامت داشتند که به دلیل مسائل امنیتی امکان دسترسی به آن‌ها ممکن نبود. تعدادی (بازمانده) نیز در آلبانی اقامت داشتند و به‌خاطر به‌دست آوردن اطلاعات، شهادت آن‌ها لازم و مهم بود.

شادی صدر گفت شخصاً لیستی از مصاحبه‌شوندگان بالقوه تهیه کرد. سازمان عفو بین‌الملل با روابط عمومی سازمان مجاهدین خلق در مقر سازمان ملل در لندن تماس گرفت و این لیست را در اختیار آن‌ها قرار داد. در نهایت در اکتبر ۲۰۱۷ به آن‌ها اطلاع داده شد که امکان انجام مصاحبه‌ها وجود دارد.

شادی صدر توضیح داد که روش مصاحبه‌ها براساس پروتکل استانبول مورد تایید سازمان ملل متحد و سایر قوانین رایج برای این قبیل مصاحبه‌های حقوق بشری انجام گرفت و تنها تفاوت در مکان انجام مصاحبه‌ها بود.

وی گفت مصاحبه‌های انجام گرفته در اروپا و آمریکای شمالی در منزل شاهد انجام گرفت، اما در آلبانی تمامی مصاحبه‌ها در یک اتاق در بسته در هتل محل اقامت مصاحبه‌کنندگان یا پشت درهای بسته در یک رستوران در نزدیکی محل اقامت‌شان انجام گرفت.

وی گفت در مصاحبه‌های تیرانا در آلبانی هیچ‌یک از مسئولان سازمان مجاهدین خلق حضور نداشتند و شاهد تنها بود. مصاحبه‌ها فیلم‌برداری شد و فیلم‌ها موجود هستند و در مواردی هم بنا به‌درخواست هیأت دادستانی به آن‌ها تحویل داده شده است.

شادی در توضیح سؤال وکیل مدافع نوری که چرا سه لیست تهیه شده از مصاحبه‌ها در کیفرخواست وجود ندارد گفت که مسئولیت این موضوع به عملکرد دادستانی (سویدن) برمی‌گردد.

شادی گفت بازجویی او در فوریه ۲۰۲۰ انجام گرفت و او شخصا لیست الف را در دسامبر ۲۰۱۹ یعنی دو ماه قبل از زمان بازجویی‌اش به دادستانی و خانم گیتا (یکی از وکلای مشاور برخی از شاکیان پرونده) ایمیل کرده بود.

وی گفت: «حداقل دو ماه قبل از بازجویی من، خودم به‌طور کتبی به دادستانی اعلام کردم که از بین کسانی که ما با اون‌ها مصاحبه کردیم حداقل دو نفر به اسم حمید عباسی در زندان گوهردشت و در زمان کشتار ۶۷ اشاره داشتند.»

شادی صدر شهادت داد که تحقیق روی وقایع زندان‌ها در شهرستان‌ها در تابستان ۶۷ نشان می‌دهد که در شهرستان‌ها تنها هواداران و اعضاء سازمان مجاهدین خلق اعدام شده‌اند. او گفت تحقیقات همچنین نشان می‌دهد در سال ۶۷ در تهران مواردی از اعدام زندانیان چپ و هواداران گروه‌های کرد در زندان‌هایی بجز زندان گوهردشت نیز رخ داده است.

شادی صدر در مورد این سؤال که آیا پس از دستگیری متهم درباره او در جایی اظهارنظری کرده است یا نه گفت که هرگز بجز دو توثیق که درباره هویت حمید نوری به‌عنوان «حمید عباسی» پست کرده در هیچ مصاحبه‌ای شرکت نکرده و هیچ اظهارنظر دیگری هم در مورد شاهد انجام نداده است.

شادی گفت در زمان توثیق‌های مذکور پیش از فعال شدن او در پروسه دادگاه به‌عنوان شاهد بوده است.

وی به گورستان «خاوران» نیز اشاره کرد که به‌باور خانواده‌های زندانیان سیاسی در یکی از زندان‌های اوین و گوهردشت، محل دفن قربانیان این کشتار دسته‌جمعی بوده است.

شادی صدر از قبرستان خاوران به‌عنوان «مکان احتمالی گورهای دسته‌جمعی» نام برد و گفت، مقامات امنیتی حکومت اسلامی «به‌طور سازمان‌یافته و دائم» در حال تخریب این گورستان و سایر اماکن احتمالی این گورهای دسته‌جمعی هستند.

شادی صدر در ادامه گفت: شواهد تخریب ۷ گورستان دسته‌جمعی جمع‌آوری شده و به‌سازمان عفو بین‌الملل تحویل داده شده است. اما با این وجود، ۷۰ محل به‌عنوان مکانی که در آن‌ها احتمالا گورهای دسته‌جمعی وجود دارد، شناسایی شده است.

صدر در ادامه به تحقیقاتی اشاره کرد که در جریان آن، سازمان عدالت برای ایران با ۵۰ نفر از جان‌بدر بردگان اعدام‌های ۱۳۶۷ مصاحبه تصویری انجام داده است.

حمید نوری، ۹ نومبر ۲۰۱۹، در فرودگاه «آرلاند»ی استکهلم با حکم دادستان سویدن و به اتهام مشارکت در «کشتار دسته‌جمعی» بازداشت شد.

کیفرخواست صادره علیه نوری از طرف بخش دادستان کشوری سویدن علیه جرایم بین‌المللی و جنایت‌های سازمان‌یافته و به‌طور خاص از سوی کریستینا لیندهوف کارلسون، صادر و به مقامات قضایی سویدن ابلاغ شد.

در این پرونده حدود ۴۰ شاکی و ۶۰ شاهد که در تابستان سال ۱۳۶۷ هجری شمسی در زندان گوهردشت محبوس بودند، حضور دارند.

بر اساس آمارهای غیر رسمی، بیش از ۶۰۰۰ نفر که آن‌ها از اعضا و هواداران «سازمان مجاهدین خلق» و سازمان‌های چپ بودند، در جریان اعدام‌های سال ۱۳۶۷ به دستور خمینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، اعدام شدند. اما سازمان مجاهدین می‌گوید این تعداد «۳۰ هزار» زندانی سیاسی بوده که دست‌کم ۹۰ درصد آن‌ها از طرفداران این سازمان بوده‌اند.

بازماندگان و خانواده‌های کشته‌شدگان امیدوارند دادگاه نوری نقطه‌ای برای آغاز رسیدگی بین‌المللی به کشتارهای دهه ۶۰ به‌خصوص کشتار تابستان ۱۳۶۷ و مجازات عاملان و آمران آن باشد.

همزمان با ادامه دادگاه حمید نوری در ستکهلم، یکی از جنایت‌کاران حکومت اسلامی در تهران درگذشت. در نخستین ساعات روز سه‌شنبه دوم فروردین ۱۴۰۱، خبرگزاری فارس نوشت: «آیت‌الله محمد محمدی نیک، معروف به آیت‌الله محمدی ری‌شهری از کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و نماینده ولی فقیه و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام لحظاتی قبل دعوت حق را لبیک گفت.»

رویدادهای یک دهه بعد از انقلاب، چهره کاملاً متفاوتی از ری‌شهری به دست می‌دهد. او که قبل از «ری‌شهری»، «محمد محمدی نیک» و قبل از آن «محمد درون‌پرور» نام داشت، بعد از تحصیلات حوزوی در قم و به‌ویژه شاگردی آیت‌الله مشکینی (و دامادی او)، پیرو خمینی شد و قبل از انقلاب مدتی به زندان افتاد.

ری‌شهری بلافاصله بعد از انقلاب، فعالیت گسترده و فشرده‌ای را به‌عنوان قاضی و حاکم شرع شروع کرد و در این راه با سخت‌گیری زیاد و با «قساوت» تمام، بسیاری از مخالفان و منتقدان حکومت اسلامی را تعقیب یا محاکمه کرد و آنان را به جوخه اعدام سپرد.

ری‌شهری کمتر از یک سال بعد از انقلاب، ریاست دادگاه‌های انقلاب ارتش را به‌عهده گرفت و در این سمت از جمله به پرونده کودتای نوژه، پرونده صادق قطب‌زاده و شبکه هم‌دست او موسوم به «نجات انقلاب ایران» و همچنین رهبران و اعضای حزب توده را محاکمه کرد.

محاکمه شخص قطب‌زاده که به‌گفته ری‌شهری «قصد کودتا، براندازی نظام و همچنین نابودی منطقه جماران - اقامتگاه خمینی - را داشت» به ریاست او برگزاری شد.

او بازجویی و محاکمه نورالدین کیانوری، رهبر حزب توده و همچنین ناخدا بهرام افضلی و محمدمهدی پرتوی (خسرو)، از اعضاء اعدام‌شده این حزب را به‌عهده داشت. ری‌شهری همچنین یکی از سران اصلی حرکت علیه آیت‌الله شریعتمداری بود.

ری‌شهری خود به‌این نوع مسئولیت‌ها افتخار کرده و نوشته است که جدیت او در مقام رییس دادگاه‌های انقلاب ارتش باعث شد که «تقریباً همه محاکمات مهم، مثل رسیدگی به اتهامات اعضای حزب توده، محاکمه دست‌اندرکاران کودتای نافرجام پایگاه هوایی نوژه، رسیدگی به اتهامات قطب‌زاده و... به من واگذار گردد.»

ری‌شهری در زمانی که وزارت اطلاعات را بر عهده داشت (دولت میرحسین موسوی)، از جمله پرونده مهدی هاشمی را پی گرفت. مهدی هاشمی، برادر داماد آیت‌الله منتظری نیز اعدام شد، هرچند که محاکمه و اعدام وی به‌عهده ری‌شهری نبود. در گرماگرم این رویدادها، ری‌شهری در کنار زدن منتظری نقشی اساسی ایفا کرد.

اعدام‌های زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، در حالی صورت گرفت که ری‌شهری وزیر اطلاعات بود. حدود دو سال پیش، حسین موسوی‌تبریزی که خود در اوایل دهه ۱۳۶۰ دادستان انقلاب بود، به‌اعتماد آن‌لاین گفت: «آن‌موقع وزارت اطلاعات در دست آقای ری‌شهری بود» و سپس توضیح داد که اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان با نامه ری‌شهری به‌خمینی شروع شد.

به‌درستی معلوم نیست که کناره‌گیری ری‌شهری از مسئولیت‌هایی چنین سنگین و حساس به‌خواست خود او بوده، یا خامنه‌ای چنین میلی داشته. هرچه هست، ری‌شهری از اواخر دهه ۶۰ به‌عنوان نماینده رهبری به شاه‌عبدالعظیم رفت و سپس سرپرستی حجاج را عهده‌دار شد. او یکبار نیز نامزد ریاست جمهوری شد اما رای زیادی نیاورد.

ری‌شهری در سال ۱۳۸۸ به‌مجلس خبرگان راه یافت. او همچنین از سال ۱۳۷۴ «موسسه علمی فرهنگی دارالحديث» را تاسیس کرد که به نوشته خبرگزاری فارس «بزرگترین مجموعه فرهنگی در زمینه حدیث و علوم مربوط به آن است.» او ریاست «دانشگاه قرآن و حدیث» را نیز بر عهده داشت.

بر اساس اسناد و مدارک متقن و شهادت شهود، وزارت اطلاعات مسئولیت برنامه‌ریزی کشتار ۱۳۶۷ را به‌عهده داشت و محمدی‌ری‌شهری در راس این وزارتخانه قرار داشت.

خمینی در فرمانی که برای کشتار زندانیان سیاسی صادر کرد حسینعلی نیری و مرتضی اشراقی، رییس حکام شرع اوین و دادستان انقلاب اسلامی مرکز را شخصاً انتخاب کرد و گزینش نفر سوم هیات را که نماینده وزارت اطلاعات بود منوط به نظر محمدی‌ری‌شهری کرد. او نیز مصطفی پورمحمدی را انتخاب کرد که از ۲۰ سالگی در کشتار و جنایت دست داشت و در مسجدسلیمان، بندرعباس و مشهد امتحان پس داده بود.

بنا به‌گفته آیت‌الله منتظری، نمایندگان وزیر اطلاعات در هیات‌های مرگ که در سراسر کشور در تابستان ۱۳۶۷ تشکیل شد، نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند و گاه حکم اعدام زندانی بر اساس نظر آن‌ها صادر می‌شد.

به‌علاوه، در تیر و مرداد ۱۳۶۷ خمینی دو نامه دریافت کرد که در تصمیم او برای صدور فرمان کشتار زندانیان نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

متن نامه محمدی‌ری‌شهری به‌خمینی هنوز منتشر نشده است اما موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب بین سال‌های ۶۰ تا ۶۳ محتوای آن را فاش کرده است. از آنجایی که موضوع این مکتوب به کشتار ۱۳۶۷ و یکی از حساس‌ترین جنایات تاریخ معاصر ایران برمی‌گردد چنان‌چه چنین نامه‌ای وجود نداشت قطعاً با واکنش ری‌شهری روبه‌رو می‌شد. موسوی تبریزی در مصاحبه با اعتماد آنلاین در پاسخ به این پرسش که چرا مساله یا معمای ۱۳۶۷ حل نمی‌شود، ضمن طفره رفتن از اصل موضوع می‌گوید:

«این سؤال را باید از آقای ری‌شهری پرسید که آن زمان وزیر اطلاعات بود و شروع آن ماجرا از وزارت اطلاعات بود. در واقع پس از حمله مرصاد که بعد از قطع‌نامه رخ داد، آقای ری‌شهری به امام نامه نوشته و توضیح داده بود که مجاهدین با صدام کنار آمده‌اند و می‌خواهند شهرها را تصرف کنند. ظاهراً قرارشان هم این بود که منافقین زندانی هم بیرون بیايند و به همسلفان خود در سازمان مجاهدین بپیوندند. به همین دلیل امام گروهی را تشکیل دادند تا با زندانی‌ها صحبت کنند و بدانند چه کسی توبه کرده و چه کسانی هنوز به سازمان وفادارند.»

از شواهد برمی‌آید که مفاد نامه ری‌شهری به خمینی نیز تایید محتوای نامه لاجوردی بوده است و چه بسا این دو مکتوب در هماهنگی با یکدیگر نوشته شده باشند. چرا که لاجوردی در نامه‌اش به آمار وزارت اطلاعات اشاره می‌کند. از سوی دیگر محتوای فرمان خمینی برای کشتار زندانیان سیاسی نشان می‌دهد که برپایه نامه لاجوردی و ری‌شهری نوشته شده است.

همچنین در نامه لاجوردی روی اعدام زنان زندانی نیز تاکید شده است که چند سالی بود تقریباً متوقف شده بود. پس از انتشار نوار صوتی دیدار آیت‌الله منتظری با اعضای هیات کشتار ۶۷، محمدی‌ری‌شهری یکی از کسانی بود که به میدان آمد و به عقده‌گشایی دوباره علیه او پرداخت.

آیت‌الله منتظری در این نوار صوتی با اشاره به‌نقش احمد خمینی و وزارت اطلاعات برای «برنامه‌ریزی اعدام زندانیان سیاسی از سال‌ها قبل»، می‌گوید احمد خمینی از چند سال قبل از این اعدام‌ها معتقد بوده همه اعضای سازمان مجاهدین خلق حتی کسانی که نشریات این سازمان را مطالعه می‌کنند باید اعدام شوند.

به گزارش سایت انتخاب، محمدی ری‌شهری انتشار فایل صوتی جلسه آیت‌الله منتظری در سال ۶۷ با تعدادی از قضات را «همپیمانی نفاق و وهابیت» در ضربه زدن به نظام دانست و گفت: «اگر دفتر منتظری با جریان منافقین ارتباط ندارد و نفوذی‌های منافقین در این دفتر رسوخ نکرده‌اند چرا در شرايطی که نفاق با وهابیت کودککش همپیمان شده است برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی مطالبی که سال ۶۷ ضبط شده را در فضای کنونی منتشر می‌کنند.» او اضافه کرد: «معلوم می‌شود که در این بیتی که با امام در افتاد... هنوز کسانی هستند که به منافقین کمک می‌کنند.»

عاقبت کشتار ۱۳۶۷ که با برنامه‌ریزی وزارت اطلاعات و ری‌شهری آغاز شده بود با نظر کارشناسی وزارت اطلاعات پایان یافت. روز پنجم مهرماه سال ۱۳۶۷، خمینی مجازات زندانیان سیاسی زنده مانده را به‌مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کرد.

هاشمی‌رفسنجانی در این باره نوشت: «به‌جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. در مورد مجازات ضد انقلاب مذاکره شد. امام تصمیم را به مجمع محول کرده‌اند. قرار شد مطابق معمول قبل از حوادث اخیر عمل شود. وزارت اطلاعات چنین نظری داشت و قضات اوین، نظر تندتری داشتند.»

محمد محمدی ری‌شهری می‌بایستی در ردیف اول متهمان این دادگاه و هر محکمه رسیدگی به این جنایت بزرگ قرار می‌گرفت. اما پیش از آن که در مقابل عدالت قرار بگیرد، دست اجل او را ربود.

او تنها متهم کشتار ۱۳۶۷ نبود که از دست عدالت گریخت. پس از دستگیری و بازداشت حمید نوری که اینک دو سال و نیم از آن می‌گذرد حسن زارع دهنوی (قاضی حداد)، دادیار زندان اوین و حسین حسین‌زاده موحد مدیر زندان اوین در تابستان ۱۳۶۷ که نقش مهمی در قتل‌عام زندانیان سیاسی در آن دهه داشتند درگذشتند. هر دو جزو روسای حمید نوری بودند و نامشان در پرونده محکمه نوری که اینک ۸ ماه است در ستکهم جریان دارد ذکر شده است.

اکنون حدود ۳۴ سال از کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ می‌گذرد. حسینعلی نیری، مرتضی اشراقی، مصطفی پورمحمدی، ابراهیم رئیسی، محمد مقیسه، علی رازینی، علی فلاحیان، علی مبشری، غلامحسین محسنی اژه‌ای، علیرضا آوایی، داوود لشکری، مجتبی حلوائی، مجید ضیایی، مجید ملاجعفر، حمید نوری (عباسی)، فاتحی و بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران این کشتار در تهران و شهرستان‌ها زنده هستند. اگر چه احمد خمینی نزدیک به سه دهه است که مرده اما محمدعلی و حمید انصاری گردانندگان «بیت امام» که اطلاعات کامل در مورد این کشتار دارند، زنده‌اند. این عده حتی اگر از دست عدالت بگریزند یقیناً نامشان به‌عنوان بزرگ‌ترین جنایت‌کاران تاریخ معاصر ثبت خواهد شد.

اما دادگاه حمید نوری به نوبه خود به‌لحاظ حقوقی این جنایت بزرگ را ثبت خواهد کرد. امری که در تاریخ معاصر ایران رخدادی بی‌نظیر است.